

# چگونه منابع اندک را تلف کنیم؟

## عباس عبدي

هیچ تردیدی نیست که دولت و جامعه ایران با کمبود شدید منابع مواجه است. برای مقابله با این وضع همزمان باید دو اقدام را به عمل آورد. اول درصد افزایش منابع بود و دوم در مقام جلوگیری از اتلاف منابع موجود برآمد و آنها را در اموری صرف کرد که حداکثر بهره‌وری را داشته باشد. شما هنگامی که در بیابان با کمبود آب مواجه شوید، به‌طور قطع باقیمانده آب را برای شرب و رفع تشنگی نگه می‌دارید و نه برای شستن دست و صورت یا لباس. اقدامات موجود در بودجه و مجلس ایران دقیقا مثل این است که يك بطري آب در بیابان دارید و چشم‌انداز کوتاه‌مدتی هم برای رسیدن به آبادی یا چشمه ندارید ولی آن را صرف شست‌وشوی کفش‌های خود می‌کنید!

ماجرا از این قرار است که نواصولگرایان حاکم از زمان احمدی‌نژاد دنبال افزایش جمعیت افتادند. ابتدا گفتند بچه بیاورید يك میلیون به حساب نوزاد واریز می‌کنیم و طبعا سالانه هم باید اضافه می‌شد، البته انجام ندادند و سپس در ادامه انواع و اقسام ترفندها و تبلیغات را پیش گرفتند، ولی نتیجه چه شد؟

امسال نسبت به ۶ سال پیش حدود ۴۰۰ هزار نفر از تعداد زاد و ولد کودکان کمتر شده است، در حالی که در این مدت جمعیت کشور حدود ۵ میلیون نفر بیشتر شده ولی زاد و ولد با سرعت زیادی در حال کاهش بوده است. خوب! نواصولگرایان در ادامه چه برنامه‌ای برای تغییر این روند داشتند؟

نوشتن قانون عجیب جوانی جمعیت و توزیع پول و امکانات و ایجاد محدودیت‌ها. گفته می‌شود حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان بودجه در سال جاری برای افزایش زاد و ولد در نظر گرفته شده است. این همان کاری است که در ابتدا نوشته شد، یعنی اتلاف کامل منابع. چگونه؟ توضیح می‌دهم. گرچه کاهش زاد و ولد دلایل گوناگونی دارد، ولی در حال حاضر و در ایران مهم‌ترین علت آن مشکلات اقتصادی است. یعنی بیکاری و نیز کاهش درآمد.

در حقیقت اگر خواهان افزایش فرزندآوری هستیم باید تمام سرمایه‌ها و منابع مالی خود را صرف افزایش تولید و اشتغال کنیم تا انگیزه

فرزندآوری بیشتر شود. اصولگرایان در این زمینه چه کرده‌اند؟ در دولت احمدی‌نژاد که نقطه اوج مدیریت نواصولگرایان است، رشد اشتغال طی ۸ سال، تقریباً صفر بود و در طول سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تعداد شاغلین کشور سر جمع تغییر معناداری نکرد. اگر آن دولت به جای ائتلاف منابع در پی ایجاد شغل بود، باید بیش از اندازه دوره خاتمی ایجاد شغل می‌کرد که ۵ میلیون شغل بود. این ۵ میلیون شغل اگر امروز وجود می‌داشت، با کمترین میانگین حقوق که حدود ۷ میلیون تومان بود، ۴۲۰ هزار میلیارد تومان به تولید و دستمزد افراد اضافه می‌شد که ۲۱ برابر رقم بودجه فوق برای فرزندآوری است، البته درآمد اشتغال دائمی نیز هست. آنان که در دوره مدیریت فاجعه‌بار خود شغلی ایجاد نکردند تا جوانان ازدواج و فرزندآوری کنند، اکنون دنبال توزیع منابع مالی برای فرزندآوری هستند.

همین کار هم ایراد دارد.

اگر فرض کنیم (خیلی بعید است این فرض محقق شود) که بر اثر این سیاست ۲۰۰ هزار زاد و ولد بیشتر در سال را شاهد باشیم، در این صورت برای اضافه شدن هر کودک حدود ۱۰۰ میلیون تومان هزینه روی دست مردم گذاشته‌اند. به عبارت دیگر برای افزایش تولد ۲۰۰ هزار کودک در سال، به خانواده ۳/۱ میلیون کودک به دنیا آمده کمک می‌کنند که نیازی به این کار نیست و این ائتلاف منابع است. حال اگر همان ۱۰۰ میلیون تومان را صرف سرمایه‌گذاری و اشتغال کنند، احتمالاً تعداد شغل‌های دائمی که به وجود می‌آید خیلی موثرتر به حال اقتصاد و فرزندآوری است، ضمن اینکه مبالغ موجود در ردیف‌های بودجه باید در سال آینده تکرار و اضافه شود، ولی ایجاد شغل نیازی به این کار ندارد. پرسشی که برای یک ناظر وجود دارد، این است که چرا نواصولگرایان هیچ توجهی به مساله اشتغال و رشد اقتصادی ندارند و تمامی توجه آنان به توزیع منابع اندک و ناکافی است؟ پیشتر هم گفته‌ام شاید این مساله ریشه در ذهنیت غیرعلمی و سنتی این گروه دارد که درک درستی از مساله توسعه و اقتصاد ندارند و نگاه آنان به اقتصاد بر محور صدقه دادن و اقتصاد معیشتی است.

ولی آنچه قابل تردید نیست، ائتلاف سرمایه‌ها و منابع کشور لای چرخ‌دنده‌های این سیاست‌هاست. پیشتر منابع عظیم سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ را تلف کردند و اکنون هم درصدد آتش زدن به منابع اندک کشور هستند و در نهایت هم چیز چندانی نصیب مردم نخواهد شد، جز گسترش روزافزون فقر و تنگدستی و بیکاری.

منبع: روزنامه اعتماد 19 دی 1400 خورشیدی